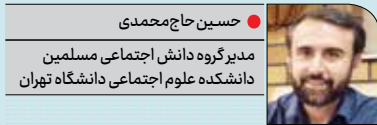


## دخترانه بودن

### زیستن در میان هزاران انتظار



● حسین حاج محمدی  
مدیر گروه دانش اجتماعی مسلمان  
دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

دختر بودن فقط یک ویژگی جسمانی و طبیعی نیست بلکه علاوه بر آن یک ساحت و وجه اجتماعی هم دارد. دختر بودن یعنی زندگی کردن بین تصاویر و قضاوت‌هایی که از طرف جامعه به ما می‌رسد. حتماً دختران از دوران کودکی جملاتی مثل (دختر باید مهربون باشه) (دختر باید مرتب باشه) (دختر نباید بلند بخنده) و... این تصاویر اموری هستند که از طرف جامعه می‌توانند هویت دختران ما را بسازند اما این انتظارات از کجای می‌آید؟ چرا این همه باید و نباید دور نقش ما به عنوان دختر شکل گرفته؟ آیا ما به عنوان یک دختر می‌توانیم خودمان باشیم در دنیایی که تلاش می‌کند طبق استانداردهای خودش ما را جهت دهد؟ جامعه مجموعه‌ای است از ارزش‌ها، ساختارها و نهادها که رفتار ما را در جهت خاصی هدایت می‌کنند.

این تأثیرگذاری از خردسالی آغاز می‌شود وقتی از یک دختر خردسال انتظار می‌رود ناز و سکت باشد ولی از پسران انتظار می‌رود بازیگوش تر باشند. یعنی از همان کودکی یک هویت اجتماعی برای هر جنسیتی ساخته می‌شود. ما یاد می‌گیریم چطور لباس بپوشیم، حرف بزنیم و حتی بخندیم. جامعه مثل آینه‌ای است که به ما نشان می‌دهد یک دختر خوب چه شکلی است؟ واکنش‌ها نسبت به این مسائل یکسان نیست.

بعضی از دختران کاملاً با انتظارات جامعه هم‌سو می‌دارند و سعی می‌کنند همان دختر ایده‌آل جامعه باشند. بعضی دیگر از دختران مقاومت پنهان می‌کنند. یعنی در جمع خودشان با دوستان صمیمی‌شان سعی می‌کنند تیپ و خصوصیاتشان را نشان دهند که در جامعه نمی‌توانند نشان دهند. عده‌ای دیگر از دختران سعی می‌کنند با جامعه هم‌سو نباشند و تصویر جدیدی از هویت خودشان می‌سازند.

ممکن است در عین این‌که وقار و متانت و پوشش خود را حفظ می‌کنند، مستقل و جسور و تأثیرگذار هم باشند. گروه دیگری از دختران اعتراض آشکار و تقابل می‌کنند مثلاً با شعر و نقاشی یا در صفحات مجازی‌شان تلاش می‌کنند با کلیشه‌هایی که از سمت جامعه به آنها تحمیل می‌شود و آنها با آن انتظارات مخالف هستند، مقابله کنند.

از دید جامعه‌شناسی می‌توان گفت بهترین واکنش برای دسته‌ای از دختران است که بازتعریف فعال هویت می‌کنند یعنی در مقابل بعضی از کلیشه‌ها می‌ایستند و نشان می‌دهند در عین حفظ ویژگی‌ها، می‌شود توانمندی‌های مان را نشان دهیم و استعدادهای مان را شکوفا کنیم. این به معنای خدشه دار شدن هویت دخترانه نیست بلکه می‌خواهیم هویتی منطبق بر جامعه امروز بسازیم.

کسب آگاهی یکی از روش‌هایی است که با آن می‌توانیم هویت مان را بازتعریف کنیم. باید آگاه شویم که جامعه چه اموری را به ما تحمیل می‌کند و چه اموری می‌تواند برای ما مناسب باشد. یکی دیگر از راه‌ها گفت‌وگوست. گفت‌وگو با خانواده، دوستان و معلمان درباره فشارهایی که تجربه می‌کنیم. به الگوهای موفق باید نگاه کنیم که چه مسیری را برای خودشان در نظر گرفتند. مثلاً دختر موفق که در عین حفاظت از برخی ویژگی‌های دخترانه در حیطه فعالیتش بسیار موفق است.

خودمان را نباید سرزنش نکنیم و به خودمان خیلی سخت نگیریم تا هویت و مسیرمان را پیدا کنیم. دختر بودن یک فرصت و امکان بزرگ است و ما نباید فقط روی محدودیت‌هایش تمرکز کنیم. آدم موفق کسی است که به فرصت‌ها بیشتر توجه کند. مهم نیست جامعه چه انتظاراتی دارد مهم این است که کار درست چیست؟ ما می‌توانیم با آگاهی از فرهنگ اصیل مان و با شهامت، خودمان باشیم و بدرخشیم.

## هر چه کنی، به خود کنی!

در روان‌شناسی کودک، قاعده جایگزینی وجود دارد. مثلاً می‌گویند اگر می‌خواهی یک چاقو را از دست بچه بگیری، یک اسباب‌بازی جایگزین و مطلوب را به او بده. یا اگر کار بدی می‌کنی او را با کار دیگری که درست است، مشغول کن. این روزها اکثر حرف‌هایی که راجع به جامعه دختران نوجوان و جوان می‌شنویم، قضاوت تند و تیز و یکطرفه است. این‌که از تفریحات بد دختران، از مصرف مخدرها توسط آنها، روابط بی بند و بار و... می‌نالند و آنها را تقبیح می‌کنند. هیچ کسی با این اتفاقات هم‌سو نیست اما مسأله‌ای که به آن توجه نمی‌شود این است که ما در جایگزین این رفتارهای پر خطر و نامناسب چه بستری را برای شان فراهم کردیم؟! ما چه تعلیم و تربیت به خصوصی برای شان داشتیم تا آگاهی‌شان بالا برود؟ چرا آگاهی‌شان را باید از سبک زندگی سلبریتی‌های آمریکایی و بلاگرهای انگلیسی بگیرند؟! چرا ما جایگزین خوشایند و جذابی برای شان نداشتیم؟! وقتی در کافه‌ها، پارک‌ها، مراکز خرید و... بیشتر فضاها برای خانواده‌ها یا گروه‌های پسرانه طراحی شده. وقتی حتی شهرسازی و بسترسازی ما برنامه‌ای برای دختران نوجوان و جوان طبق فرهنگ و باورهای مان ندارد، پناه بردن آنها به فضاهای ناسالم امری اجتناب‌ناپذیر است. پس کاش یک بار هم که شده انگشت اتهام را از روی آنها برداریم و فکر کنیم واقعا راه حل بدزبستی بعضی از دختران مان در جامعه چیست؟



## استانداردها در کتاب فیل‌ها هم پرواز می‌کنند!

همان‌طور که از میان تیتیر هم مشخص است بعضی از استانداردهایی که جامعه برای دختران می‌سازد، درست مثل کتاب معروف فیل‌ها هم پرواز می‌کنند، است؛ غیرواقعی، دست‌نیافتنی و رویایی. چند وقت پیش یک قالبی در برنامه ایکس وایرال شده بود با این عنوان که «دختر باید...» هر کسی تویییتی می‌زد و یک جمله به این دو کلمه اضافه می‌کرد. این ترند خیلی رک و واضح از توقعات عجیب و غریب بعضی پسران، مردها، خانواده‌ها، زنان و... از دختران رونمایی می‌کرد. استانداردهایی که فقط منحصر به یک حوزه هم نبود و راجع به تمام رفتارها و ظواهر دختران، باید و نباید می‌ساخت اما اصلاً این باید و نبایدها را چه کسی می‌سازد و آیا واقعی هستند؟ اگر دختری در این چارچوب‌ها ننگد از دور خارج می‌شود و مورد توجه جامعه اطرافش قرار نمی‌گیرد؟



این چارچوب‌ها گاهی فشارهای مضاعفی بر دختران نوجوان وارد می‌کند، فشارهایی از این جنس: «پس من چون دماغم این مدلی نیست، ناکافی‌ام» «چون رنگ پوستم مورد علاقه جامعه نیست، زیبا نیستم.» «چون ورزشی می‌کنم که جامعه برای دخترها نمی‌پسندد، مورد قبول نیستم.» و هزاران برچسب دیگر که هویت دختران مان را خدشه دار می‌کند. یادمان باشد که دختران امروز، مادران فردا و آینده‌سازان این مملکت هستند. آنها را با توصیفات و هم‌آمیز، ناسالم نکنیم. سلامت آنها، سلامت کل جامعه است.